سیصد دینار بود آنرا بهم آنجا بگذاشتم چون از نماز خفتن باز گشت و دید
آنچه آماده کرده بودم حمد خدای تعالی گفت و در روی من تبسم کرد چون
طعام خورد گفتم خدای تعالی ترا بیامرزاد که آوردی آنچه آوردی و آن
دنانیر را پیش وی نهادم گفت این چیست گفتم آنچه آنجا نهاده بودی
از دنانیر فزع کرد و گفت ویحک این چیست گفتم مرا باین علم نیست آنرا
یافتم همچنین که می بینی فزع وی زیاده شد خالد بن الولید رضی الله عنه
ابوبکر رضی الله عنه گفته است که پیش رسول صلی الله علیه وسلم ذکر خالد
بن الولید می رفت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سیف من سیوف
الله سله الله علی الکفار ۰ و از وی آرند که چون ابوبکر رضی الله عنه ویرا
در وقت خلافت خود بجانب حیره فرستاد اهل حیره شخصی را عبد
المسیح نام پیش وی فرستادند و برسم هدیه مقداری زهر که اثر وی
در یک ساعت ظاهر می شود با وی همراه کردند چون عبد المسیح آن زهر را
پیش وی آورد ازو پرسید که این چه چیزست گفت سم ساعة خالد
رضی الله عنه آنرا بر کف دست خود نهاد و گفت بسم الله و بالله
رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء پس آنرا
بیاشامید عبد المسیح بقوم خود باز گشت و گفت با وی مصالحه کنید
که زهر یک ساعت را خورد و هیچ ضرر نیافت این کاریست که ایشانرا
آمده است ۰ و هم از وی آرند که روزی در لشکر خود می گشت
لشکری دید که خیکی شراب همراه دارد پرسید که این چه چیزست جواب داد که

این سرکه است

این سرکه است خالد رضی الله عنه سه بار گفت اللهم اجعله خلا اللهم
اجعله خلا اللهم اجعله خلا چون آن شخص آن خیک را پیش اصحاب
خود رسانید سر بگشاد دیدند که سرکه است گفتند ویحک این چه
چیزست که آورده گفت والله من خمر می آوردم امیر شما را در راه دیدم
گفتم که سرکه است وی دعا کرد سه بار که خدای تعالی آنرا سرکه گرداند
خدای تعالی دعای ویرا اجابت کرد عبد الله بن عمر بن الخطاب رضی
الله عنهما وی بزرگترین فرزندان عمر بود رضی الله عنه در مکه
ایمان آورد و هنوز بالغ نشده بود و با پدر خود بمدینه هجرت
کرد و وفات وی در مکه بود در وقت رمی جمار مردم ازدحام
کردند چیزی بر میان دو انگشت پای وی آمد جراحت شد و ورم
کرد و بر آن بمرد و کان ذلک سنة اربع وسبعین وقیل سنة ثلث وسبعین
وهو اربع وثمانین سنة ۰ از وی آرند که در سفری بود جماعتی
گرد آمده بودند پرسید که این چیست گفتند اینجا شیریست که مردم را
از راه باز داشته است از مرکب خود فرود آمد و بسوی آن شیر
رفت و بدست خود ویرا بپسود ۰ و بروایتی وی را سلی زد و از
راه دور کرد و فرمود که سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم
یقول انما یسلط علی ابن آدم من یخافه ولو ان ابن آدم لم یخف
الا الله تعالی لم یسلط علیه غیره عبد الله بن عباس رضی الله عنهما
ولادت وی در شعب بود وقتی که بنی هاشم در آنجا محصور بودند

Copyright © King Saud University